



واکاوی نقش تزئینات خوون چینی جداره‌ها در خانه‌های سنتی شهر اهواز با تأکید بر مؤلفه‌های حس تعلق به مکان

گلشن رضائی میرقاید^۱، حامد حیاتی^۲ ID

^۱ دانشجوی دکتری گروه معماری، واحد اهواز، دانشگاه آزاد اسلامی، اهواز، ایران، golshanrezaei.m@gmail.com

^۲ (نویسنده مسئول) استادیار گروه معماری، دانشگاه قم، قم، ایران، Dr.h.hayati1352@qom.ac.ir

چکیده

تعلق به مکان به‌عنوان پیوندی مؤثر که مردم با قرارگاه مکانی برقرار می‌کنند، جایی که آن‌ها تمایل به ماندن دارند و آنجا احساس آرامش و امنیت می‌کنند. امروزه انسان‌ها در خانه‌هایی زندگی می‌کنند که بی‌توجهی به انسان و نیازهای او در طراحی و ساخت آن‌ها، مشکلاتی از قبیل کاهش احساس تعلق و آرامش را به همراه داشته است. این پژوهش باهدف احیای تزئینات و حس تعلق در ساختمان‌های معاصر احترام به فرهنگ بومی هست و در دو بخش موردبررسی قرار گرفته است، جمع‌آوری اطلاعات و داده‌ها و مستندسازی با استفاده از منابع و استناد کتابخانه‌ای و همچنین مطالعات میدانی تحلیل الگوها تزئینات اجرکاری از نظر شکل کیفی توسط نرم‌افزار اتوکد و به‌وسیله نگارندگان به روش توصیفی و تحلیلی تکمیل گردیده است؛ سپس در فرآیند تحقیق به روش تطبیقی- مقایسه‌ای تزئینات جداره‌های مذکور از منظر تأثیر مؤلفه حس تعلق در تزئینات خوون چینی اهواز مورد مذاقه قرار گرفته است. تزئینات خوون چینی که در خانه‌های موردبررسی بیشترین شکل تزئین را به خود اختصاص داده است، چهار بر راسته و چلیپا و چهاربر مورب و بازوبند به ترتیب و از لحاظ رنگ خاکی و مصالح اجری و اجرکاری خوون چینی بیشترین درصد را به خود اختصاص داده است همچنین تحلیل تزئینات خوون چینی باتوجه به مؤلفه‌های حس تعلق به صورت جداول تطبیقی ارائه شده است.

اهداف پژوهش:

۱. بررسی نقش تزئینات خوون چینی جداره‌ها در خانه‌های سنتی شهر اهواز.
۲. بررسی تحلیل تزئینات خوون چینی باتوجه به مؤلفه‌های حس تعلق به صورت جداول تطبیقی.

سوالات پژوهش:

۱. نقش تزئینات خوون چینی جداره‌ها در خانه‌های سنتی شهر اهواز چگونه هست؟
۲. تزئینات خوون چینی باتوجه به مؤلفه‌های حس تعلق به مکان چگونه هست؟

اطلاعات مقاله

مقاله پژوهشی

شماره ۵۵

دوره ۲۱

صفحه ۳۵۸ الی ۳۸۳

تاریخ ارسال مقاله: ۱۴۰۱/۰۶/۲۹

تاریخ داوری: ۱۴۰۱/۰۹/۰۵

تاریخ صدور پذیرش: ۱۴۰۱/۱۱/۱۱

تاریخ انتشار: ۱۴۰۳/۰۹/۰۱

کلمات کلیدی

تزئینات،
خوون چینی،
تعلق مکان،
خانه‌های سنتی،
اهواز.

ارجاع به این مقاله

رضائی میرقاید، گلشن و حیاتی، حامد . (۱۴۰۳). واکاوی نقش تزئینات خوون چینی جداره‌ها در خانه‌های سنتی شهر اهواز با تأکید بر مؤلفه‌های حس تعلق به مکان. مطالعات هنر اسلامی، ۲۱(۵۵)، ۳۵۸-۳۸۳.



[dori.net/dor/20.1001.1.*
***** ***/](https://doi.org/10.22034/IAS.2023.377626.2125)



[dx.doi.org/10.22034/IAS
.2023.377626.2125](https://dx.doi.org/10.22034/IAS.2023.377626.2125)

مقدمه

معماری غنی ایرانی - اسلامی در دوره‌های گذشته، تأثیری غیرقابل تردید را بر آیندگان خود گذاشته‌اند؛ این تأثیر را در هر دوره‌ای می‌توان مشاهده کرد. یک شهر سنتی ضمن بهره‌مند شدن از مزایای یک شهر مدرن بایستی با حفظ هویت و روحیه اسلامی و میراث فرهنگی غنی، در بستر زمان به مسیر خود ادامه دهد (بهزادفر، ۱۳۹۰). معماری ایران اسلامی از تحولات هنر غربی بی‌نصیب نبود و با تکرار و تقلید از الگوهای معماری بیگانه در چنبره بحران هویت گرفتار آمد، اکنون معماری ایران برای بازیافتن جایگاه هویتی خود، راه دشواری را در پیش رو دارد. در میانه این راه دشوار نیازمند ابزارهایی برای تشخیص و تمایز در احیای معماری اسلامی هستیم. استفاده تزئینی از عناصر وارداتی و مدگرایی‌های مقطعی در طراحی به مقوله فرهنگ آسیب‌های جدی وارد کرده است (عباسی، ۱۳۹۸). براین‌اساس سکونتگاه‌های انسانی به سرپناهی موقت بدون معنا و بی‌ثمر که کارکرد راستین مامن و مأوا بودن را از دست داده و منجر به ایجاد بیگانگی شده تقلیل یافته‌اند که پیامدهایی چون ازدست‌رفتن و حس تعلق، عدم وابستگی و عدم خودباوری را به همراه خواهد داشت و موجب کاهش توانایی و اعتماد به نفس شهروندان می‌گردد (صفرنژاد، کریمی آذری و غلامعلی‌زاده، ۱۳۹۵). زیبایی و ارزش هنر اسلامی به‌ویژه معماری تا حدودی زیادی به تزئینات آن بستگی دارد؛ به بیان دیگر شهر زمینه بصری مشترکی است که همه شهروندان هر روز به ناگزیر در معرض آن قرار می‌گیرند و بایستی از آن استفاده کنند در این بین نما فصل مشترک بین جداره‌های ساختمان با فضای عمومی که صرفاً سطح نیست؛ بلکه متناسب با فرم ساختمان‌اند می‌توانند عناصر کم‌وبیش برجسته‌ای را شامل شوند. نما به‌عنوان عنصر مستقل معماری زمانی مطرح است که تأکید بر جهت خاص و حرکت در بنا از طریق تغییر تناسبات و روابط فضایی داشته باشد (طلایی، انصاری و درج‌ور، ۱۳۹۸). نما تلویحاً صحنه تئاتری که آن واقعیت به‌هم‌ریخته خانه را پشت توهمی از شکوه و تشریفاتی پنهان می‌کند (هالیس، ۱۴۰۰).

اگر برای معماری کالبد و روحی قائل باشیم بی‌گمان در معماری ایرانی تزئینات همانند روحی خواهد بود که کالبد سازه‌ها را به‌تمامی دربر گرفته است (پریسا صحافی اصل، حبیب‌الله آیت‌اللهی، ۹۰). نقش تزئینات در معماری سوای آن ارزش ظاهری خود دارای ارزشی برگرفته از فرهنگ و عقیده و آرمان‌هایی است که استمرار یافته است. تزئینات در معماری از یک‌جهت ذهن بینندگان را به زیبایی شکلی و ظاهر نقش‌ها و نوع کاربردی و از جهت دیگر دیدگاه بیننده را به راز و رمز فرهنگی که در مفاهیم و نقش‌ها پوشیده شده است فرامی‌خوانند (بلبلیان و همکاران، ۱۳۹۰). آنچه امروزه در شهرهایی با پیشینه‌های تاریخی مانند اهواز رو به وقوع است، عمدتاً در جهت نابودی این عناصر و کالبدهای نقش‌آفرین، در بازیابی هویت شهری است (مهدوی‌نژاد و همکاران، ۱۳۸۹). تعلق به مکان به‌عنوان پیوندی مؤثر که مردم با قرارگاه مکانی برقرار می‌کنند تعریف می‌شود جایی که آن‌ها تمایل به ماندن دارند و جایی که در آنجا احساس آرامش و امنیت می‌کنند (آبادی، ۱۳۹۷). تعلق به مکان سطح بالاتری از حس مکان است به‌منظور بهره‌وری و حضور انسان در مکان نقش تعیین‌کننده‌ای می‌یابد و فراتر از استقرار در یک مکان است (بهزادپور، ۱۳۹۹). امروزه انسان‌ها در خانه‌هایی زندگی می‌کنند که بی‌توجهی به انسان و نیازهای او در طراحی و ساخت آن‌ها، مشکلاتی

از قبیل کاهش احساس تعلق و آرامش را به‌همراه داشته است (مطلبی، فروزنده: ۱۳۸۸). مکان‌هایی که افراد خود را به آن‌ها متعلق می‌پندارند سرزنده و پویا هستند، افراد متعهد خود را در برابر آن‌ها مسئول می‌انگارند و برجهت ارتقای مطلوبیت آن‌ها می‌کوشند؛ در نتیجه، این مکان‌ها دائماً در حال پویا شدن و تغییر هستند (حبیبیان و حاتمی‌نژاد: ۱۳۹۰). این حس که عامل مهمی در شکل‌گیری پایه‌های ارتباطی استفاده‌کنندگان و محیط هست، نهایتاً منجر به ایجاد محیط‌های باکیفیت نیز خواهد گردید (فلاح، ۱۳۸۵). زمانی معماری سنتی در این زمینه حرف‌های زیادی برای گفتن داشت که نمونه این تأثیر را در آرایه‌بندی در جداره‌های شهری بافت قدیم اهواز به شیوه‌های متنوعی خواهیم دید به شیوه آجرکاری، در واقع شیوه سنتی تزیین نما با استفاده از آجر هست که در نماهای سردر به چشم می‌خورد که نه به هدف خودنمایی و بیان خویشتن به جهت بیان مفهومی درونی و بومی، اقلیمی به کار می‌رود توجه به همه این موارد احیای تزئینات معماری ایرانی - اسلامی را در بافت اهواز ضروری می‌نماید و شناسایی نقوش تزیینی و تأثیر مؤلفه‌های حس تعلق در ارتباط با تزئینات مورد بررسی قرار خواهد داد. این مقاله در راستای پاسخگویی به پرسش «یکی از مسائل مهمی که در معماری بومی اهواز مطرح است در خصوص تزئینات و نقوش سنتی این شهر است که نقوش تزیینی اهواز و مصالح و رنگ غالب کدام است و رابطه این نقوش در ارتقا حس تعلق به مکان با توجه به مؤلفه‌ها چگونه است؟» است.

بر اساس ماهیت پرسش تحقیق و از آنجا که نمونه‌های مورد بررسی همگی متعلق به گذشته‌اند، این پژوهش از نوع کیفی صورت گرفته است. پژوهش حاصل در دو بخش بررسی شده است، جمع‌آوری اطلاعات و داده‌ها و مستندسازی با استفاده از منابع و استناد کتابخانه‌ای و همچنین مطالعات میدانی تحلیل الگوها تزئینات آجرکاری از نظر شکل کیفی توسط نرم‌افزار اتوکد به دست آمده است و به وسیله نگارندگان به روش توصیفی و تحلیلی تکمیل گردیده است. در این تحقیق با استناد به هشت نقش تزیینی آجر با خون چینی متمرکز به گونه‌شناسی نقش‌های آجری بر اساس تعداد اجزای تشکیل‌دهنده از نتایج آفرینش همه نقوش بر زمینه شطرنجی هستند. با توجه به سوابق مکتوب به توصیف و تحلیل تزئینات بناهای اهواز خواهیم پرداخت که بر اساس مطالعه میدانی و منابع تصویری که نگارندگان از بناهای منتخب داشته به دست می‌آید. تحلیل نمونه بناها با استفاده از شرایط زیر هستند:

۱. بنای موردنظر در دوره پهلوی و قاجار ساخته شده یا حداقل تزئینات ورودی آن متعلق به این دوره باشد.

۲. بناهایی از نوع کاربری مسکونی و واجد ارزش تاریخی و فرهنگی و از بناهای شاخص بافت تاریخی باشد.

۳. نوع تزیین به شکل آجرکاری بر روی بستر سازه و بر روی جداره بنا به کار رفته باشد

سپس در فرایند تحقیق به روش تطبیقی - مقایسه‌ای، با حضور نویسندگان در بافت سنتی اهواز و مطالعات میدانی، به توصیف و تفسیر و ارائه مصداق‌ها از تزئینات خوون چینی ورودی خانه‌های سنتی و بررسی آن‌ها در نمونه موردنظر پرداخته شد و تزئینات جداره‌های مذکور از منظر واکافی مؤلفه حس تعلق در تحقق محیط و مکان و تزئینات تأثیر مؤلفه حس تعلق در تزئینات خوون چینی اهواز مورد مذاقه قرار گرفته است.

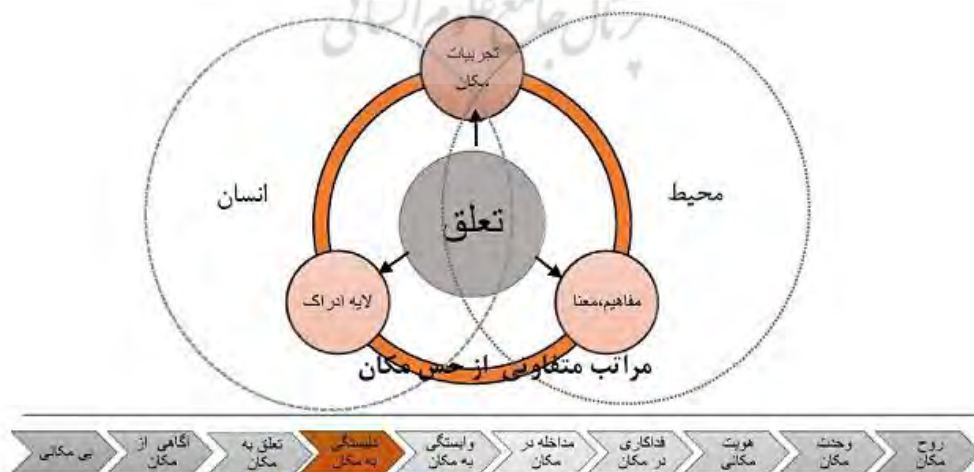
به منظور بررسی ادبیات پژوهش در خصوص نقش تزئینات در معماری سنتی در جهت ارتقا حس تعلق نمونه موردی تزئینات خوون چینی اهواز تعدادی مأخذ شامل کتب و مقالات مورد بررسی قرار گرفته‌اند. از کل به جز به منظور یافتن خلأهای موجود صورت گرفته است. کتاب زبان تزئینات جیمز تریلینگ (تریلینگ، ۱۳۹۴) هنر تزئینات را با مطالعه‌ای تطبیقی بر هنرهای قومی متعدد جهانی و از پس دوره نوگرایی مطرح می‌کند. کتاب پیش رو ضمن روایت تاریخ هنر به شرح نظری هنر تزئینات و ساختار آن می‌پردازد و بیان می‌دارد و به مطالعه هنر تزئینات در عرصه‌های معماری، مجسمه‌سازی، طراحی لباس و پارچه و غیره می‌پردازد است (پاکدامن، ۱۳۹۲). کتاب براساس تحلیل و طبقه‌بندی عناصر تزئینی به صورت کلی است و بررسی و کاربرد آموزدها شامل آجر، کاشی... و در هفت فصل و فصل آخر (فصل هشتم) از جایگاه هندسه در تزئینات توضیح داده شده و انواع گره‌ها با ارائه تصاویر که می‌تواند با پژوهش حاضر مطابقت داشته باشد. کتاب دزفول شهر اجر (نعیما، ۱۳۷۶) در دو جلد چاپ شده که شامل ترسیم عکس‌هایی از یک‌صد نما برگزیده شهر و نحوه استفاده از آجر در پلان و نما است. جلد دوم کتاب شامل یک‌صد و پنجاه نقش خوون چینی است که از نماها حاصل می‌گردد. یکی از کامل‌ترین کتاب‌های چاپ شده در خصوص کاربرد تزئینات آجر و طرز چیدن خوون و فریز توضیحاتی ارائه می‌دهند. کتاب حاضر تطابق کامل با اهداف پژوهش در خصوص موضوع خوون چینی دارد و کلیه فصول می‌تواند مهم و ضروری باشد. در مقاله «تحلیل بعد کالبدی حس تعلق به مکان در خانه‌های سنتی و مجتمع‌های مسکونی امروز» (حیدری، مطلبی و نگین تاجی، ۱۳۹۳)، با طرح این پرسش که چرا رنگ تعلق از چهره‌خانه‌های امروزی برگرفته شده است، آغاز می‌گردد. برای پاسخ به این سؤال، نمونه‌هایی از خانه‌های سنتی دارای سکنه و مجتمع‌های مسکونی جدید در شهر شیراز انتخاب شد. این پژوهش در بخش تحلیل حس تعلق می‌تواند راه‌گشا باشد. مقاله «تأثیر حس تعلق به مکان ساکنان بر نمای بناهای مسکونی محالته مجاور مادی‌های اصفهان» (امجد و همکاران، ۱۴۰۰)، در خصوص سیمای محله از آشفتگی و نابسامانی ناشی از عدم هماهنگی در ترکیب عناصر نما پرداخته است. مقاله «خوون چینی تکامل و تناسب ابعاد آجر در نماسازی‌های آثار معماری دزفول» (زرگرزاده و همکاران، ۱۳۹۵) با هدف مستندسازی و معرفی گونه‌های نقوش آجری - بافت دزفول - با توجه به گستردگی کاربرد آن‌ها در داخل بناهای مسکونی، سردرها و گاهی در جداره معابر ارائه شده است.

در اکثر مطالعات به ابعاد مختلف تزئینات و تاریخ تزئینات و نمادگرایی تزئینی اشاره شده است، اما در قالب تحقیق به ارتباط حس تعلق و تزئینات (خوون چینی) مطالعه جامعی صورت نگرفته است. تفاوت پژوهش حاضر با دیگر پژوهش‌ها از یک‌سو در چگونگی شکل تزئینات خوون چینی در جداره بناهای سنتی شهر اهواز و در چگونگی رابطه بین تزئینات خوون چینی تحت تأثیر حس تعلق مکانی است که در این پژوهش برای اولین بار به این موضوع پرداخته شده است.

۱. مفهوم حس تعلق به مکان

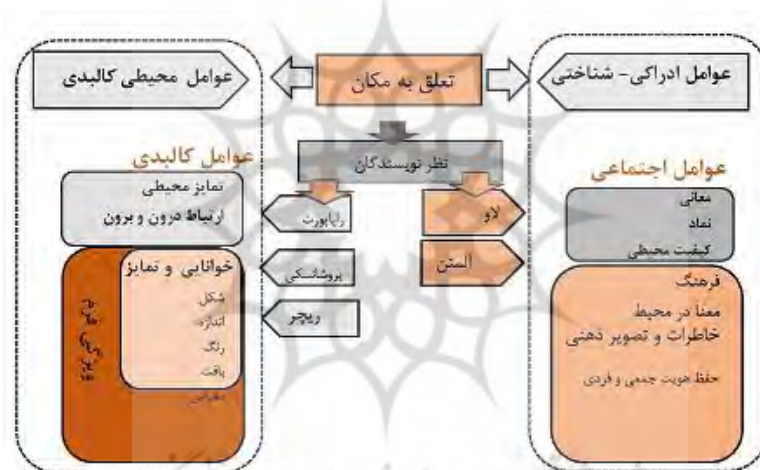
تعلق مکان به این معناست که مردم خود را به‌واسطه مکانی که در آن به دنیا آمده و رشد کرده‌اند، تعریف می‌کنند. این ارتباط که به‌طور کلی حس مکان است، در واقع احساس تعلق و دل‌بستگی به مکان سطح بالاتری از حس مکان است که در هر موقعیتی و فضا به‌منظور بهره‌مندی و تداوم حضور انسان در مکان نقش تعیین‌کننده‌ای یابد؛ این حس به‌گونه‌ای به پیوند فرد با مکان منجر می‌شود که انسان خود را جزئی از مکان می‌داند و براساس تجربه‌های خود از نشانه‌ها معانی، عملکردها، شخصیت و نقشی برای مکان در ذهن خود متصور می‌سازد. در روان‌شناسی رابطه شناختی فرد به محیط یا یک فضای خاص اطلاق می‌شود و از لحاظ هویتی تعلق مکانی رابطه تعلق و هویت فرد به محیط اجتماعی است که در آن زندگی می‌کند.

مکان علاوه بر بُعد مادی از بعد غیرمادی نیز برخوردار بوده و احساساتی در ساکنان خود ایجاد می‌کند. به‌واسطه این احساسات نوعی تعلق به مکان در افراد ایجاد شده که منجر به شکل‌گیری هویت مکانی می‌شود و این حس عاملی که موجب تبدیل یک فضا به مکانی با خصوصیت حسی و رفتاری می‌شود (بهزادپور، ۱۳۹۹). تعلق لایه‌های ادراک، مفاهیم و تجربیات مکان را شرح می‌دهد. تعلق مکانی رابطه هم‌پیوندی بین انسان و محیط است. فرهنگی بودن تعلق مکان که در اکثر افراد تجربه و تحلیل فضا به‌صورت نماد مشترک فرهنگی قابل تجزیه است (عنان‌های و همکاران، ۱۳۹۸). زمانی که انسان در مکانی با ویژگی شاخص قرار می‌گیرد از حضور در مکان آگاه می‌شود و آنگاه لایه‌های مفهومی محیط را درک می‌کند؛ احساس تعلق به مکان دارد حس تعلق ترکیب پیچیده از معانی، نمادها و کیفیت محیطی است که شخص یا گروه به‌صورت خودآگاه یا ناخودآگاه از یک مکان خاص ادراک می‌کنند. این معنا که براساس ارتباط عاطفی فرد با محیط است، در طراحی به‌صورت محیط کالبدی خود را نمایان می‌سازد (شاه‌چراغی، بندرآبادی، ۱۳۹۹). احساس تعلق ما را به محیط و افراد پیوند می‌دهد و باعث می‌شود بسیاری از نیازها که در ارتباط با دیگران و محیط داریم برطرف شود (پاکزاد، ۱۳۹۳).



تصویر ۱. مؤلفه‌های مؤثر در ایجاد حس تعلق. مأخذ: نگارندگان، ۱۴۰۱ با اقتباس از (شاه‌چراغی، ۱۳۹۹؛ بهزادپور، ۱۳۹۹)

عوامل تأثیرگذار در شکل‌گیری حس تعلق به مکان دودسته‌اند؛ شامل عوامل ادراکی - شناختی (تعلق اجتماعی) و عوامل محیطی کالبدی (تعلق کالبدی مکان). شناخت و ادراک فرد از یک مکان از شروط اولیه برای ایجاد حس تعلق به مکان است. بدین ترتیب محیط‌های با خوانایی و تمایز کالبدی جز محیط‌های مطلوب بوده است. این مرتبه از حس تعلق محیط به‌عنوان بستر فعالیت‌های اجتماعی و فرهنگی است که زمانی که افراد عناصر کالبدی را براساس درک و نظام شناختی خودشان کشف می‌کنند و برای خود تعبیر می‌کنند. درواقع این همان مسئله رمزگشایی از محیط است. (جوان فروزنده و مطلبی، ۱۳۹۰). تعلق کالبدی و عوامل شکل‌دهنده در محیط مسکونی است، تعلق کالبدی به مکان برگرفته از عناصر و اجزا کالبدی مکان به‌عنوان بخشی از فرایند شناخت و هویت انسانی است. ریچارد لاوارکاس به نقش مهم و اساسی تعلق کالبدی اشاره نمود از آن به‌عنوان ریشه‌داری. براین اساس فرد محیط را به‌همراه عناصر کالبدی آن در شکل‌دهی معنای تعلق به‌خاطر می‌سپارد. ضرورت توجه به مسئله عناصر کالبدی در محیط انسانی و نقش آن در شکل‌گیری تداوم هویت فردی در انسان‌ها است (رلف، ۱۳۹۹).



تصویر ۲. عوامل ایجادکننده حس تعلق به مکان. مأخذ، نگارندگان با اقتباس از (شاه‌چراغی، ۱۳۹۹؛ بهزادپور، ۱۳۹۹؛

رلف، ۱۳۹۹)

۲. تزئین از نگاه واژه و تزئین در معماری ایرانی - اسلامی

ریشه این واژه، عربی است و در فرهنگ عربی به فارسی چنین آمده: «تزئین، از زین، زان است به معنای: زینت‌دادن». (فرهنگ عربی به فارسی) و در زبان فارسی مترادف و هم‌معنا با «آراستن، آرایش (معین، ۱۳۸۶)؛ و نیز «آراستن به معنی زینت دادن با افزایش (افزودن چیزی بر چیزی) در مقابل پیراستن (کم‌کردن از چیزی) آمده است (انصاری، ۱۳۸۱). بنابراین از آنجاکه این واژه مترادف با زیبایی و آراستن ظاهر و هم باطن دلالت دارد، در فرهنگ ایرانی اسلامی بسیار وسیع و قابل توجه است (علوی‌نژاد و همکاران، ۱۳۸۹). تزئین به معنای چیزی اضافه‌شده تجملی و تحمیلی بر هنر نیست بلکه در هنرهای قدیم که به هنرهای تزئینی-کاربردی مشهور است، تزئین عین هنر است (جوادی، ۱۳۸۴). هنرمند ایرانی با الهام از خالق یکتا از ماده جسمانی جهت رسیدن به حقیقتی والاتر استفاده نماید

در تزئینات معماری اسلامی ایران، رمزها و معانی برگرفته از هنرهای بومی و معماری بوده است. ریشه در اعتقادات و باورها، فرهنگ و ارزش‌های حاکم بر جامعه است و از تصویر ذهنی و گونه‌شناسی معماری حاکم بر جامعه مسلمان نشأت گرفته است (سگری، ۱۳۹۲). معماری دوره اسلامی الگوهای تزئینی بسیاری دارد که هر یک به تناسب مکان و همچنین سازگاری با نوع مصالح، در بیشتر ادوار هنر معماری اسلامی به کار رفته است؛ برخی فقط به لحاظ زیباشناسی اهمیت دارند و در بنا به عنوان یک عامل تزئینی به کار رفته است؛ ولی برخی علاوه بر جنبه زیبایی، دارای یک مفهوم خاص دینی و فلسفی، اجتماعی و یا سیاسی‌اند (رضالو و همکاران، ۱۳۹۲). تزئین در معماری یا ساختار را پنهان می‌کند یا به آن شدت می‌بخشد که در هر دو مورد تأیید می‌کند که تزئین امری خارجی است؛ زیرا بعد آن که ساختمان به لحاظ فیزیکی یا دست کم به لحاظ مفهومی کامل شد، تزئین را بدان می‌افزایند (تریلینگ، ۱۳۹۴).

در بینش هنر اسلامی چنین چیزی مطرح نیست و تزئین معنا و مفهومی فراتر از پوشش ظاهری دارد و برای درک آن باید شناختی به رمزهای تصویری و مفاهیم دینی اسلامی پیدا کنیم (دادور و دالایی، ۱۳۹۵). تعادل و تناسب نقوش و رسوم به کار بردن ذوق سلیقه ایرانیان در تزئین ابنیه خود به کار برده و معماران آن‌ها بدان آشنا بوده‌اند عظمت و ابهت بی‌نظیری به این ابنیه داده است (جوادی، ۱۳۸۴). نقوش انتزاعی هندسی در معماری ایرانی اسلامی صرفاً به خاطر شیفتگی مسلمانان به تزئین و تنها براساس عشق به رنگ یا بافت و طرح نیست و احتمالاً پیام‌های عصر خود را به همراه دارد (براند، رابرت، ۱۳۸۶). واژه تزئین و تزئینات در ترکیب با معماری در فرهنگ ایرانی - اسلامی علاوه بر جنبه‌های فیزیکی و صورت ظاهری که خود بسیار متنوع است می‌تواند بر صورت باطنی و جنبه‌های معنوی و روحی معماری اشاره داشته باشد (علوی‌نژاد و همکاران، ۱۳۸۹)؛ زیرا بر علم باطنی مبتنی است و به ظواهر اشیاء نظر ندارد، بلکه به حقیقت درونی آن‌ها نظر دارد (نصر، ۱۳۹۴).

۳. نما و جداره‌های شهری

نما چهره مسلط کالبد شهر و حاوی اولین پیام در چشم‌انداز شهروندان است (عباسی، ۱۳۹۶). نما در واقع، صورت کالبدی ساختمان و بهترین بیان حالتی است که طراح از خود در برابر بیرون دارد. نما گسترده تصویری و اولین بخش بنا که در دید ناظر می‌نشیند همان نمای ساختمان‌هاست لذا غنای جلوه بیرونی خانه مایه شأن اجتماعی است و شأن اجتماعی یکی از صفات تأثیرگذار بر حس تعلق کالبدی و با قلمروی بصری و زیبایی‌شناسانه در ذهن بیننده جای دارد و نتیجه آن تبدیل عرصه عینی به ذهنی است (امجد و همکاران، ۱۴۰۰). همچنین به عنوان عنصری سه‌بعدی، محل تلاقی ویژگی‌ها و جنبه‌های خصوصی، معماری بنا و جنبه‌های عمومی و شهری است. در این حالت نما عضوی از بدنه و حتی منظر شهری تلقی شده و نقشی گسترده‌تر از نقش معمارانه می‌یابد؛ تا آنجا که به عنوان دریچه درک بصری عمل می‌کند و ادراک بصری محیط را تحت تأثیر خود قرار می‌دهد و بر اثرات بصری و زیبایی‌شناسی واجد اثرات روانی و اجتماعی نیز گردیده و مؤثرترین عنصر تأثیرگذار بر کیفیت بصری بنا و فضا می‌شود (پاکزاد، ۱۳۸۵). از مهم‌ترین اجزا و عناصر کالبدی شهری که با

شهروند و تقویت حس مکان در فضای شهری مؤثر واقع می‌شود، ترکیب نمای ساختمان‌ها به‌عبارتی دیگر ((نمای شهری)) است. به بیان دیگر، شهر زمینه بصری مشترکی است که همه شهروندان هر روز به ناگزیر در معرض آن قرار می‌گیرد و بایستی از آن استفاده کنند، در این بین نما فصل مشترک بین جداره‌ها ساختمان با فضای عمومی که صرفاً سطح نیست بلکه متناسب با فرم ساختمان می‌تواند عناصر حجمی کم‌وبیش برجسته‌ای را شامل شود (طلایی، انصاری، & درج و ر، ۱۳۹۸).

۴. سردرها و تزئینات خوون‌چینی آجرکاری خانه‌های سنتی اهواز و بررسی ساختار آجر


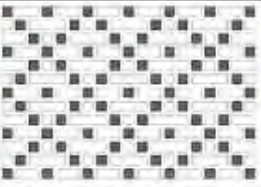

معماری سنتی شهر اهواز که تا حد زیادی وام‌گرفته از معماری سنتی شهرهای شوشتر و دزفول است، آرایه‌بندی در جداره‌های شهری بافت قدیم به شیوه‌های متنوعی صورت‌گرفته است. این آرایه‌ها در نقاط شاخص نما نظیر سردر و کنج‌ها دیده می‌شود در مواردی محدود در زیر سقف‌ها نیز دارای تزئینات است. قدمت اکثر بناهای موجود در محدوده خیابان نادری و خیابان کاه و سی‌متری به دوران قاجار و پهلوی می‌رسد؛ از این رو، امکان مطالعه در بافت درزمینه ساختار معماری و تزئینات وابسته به آن فراهم است. عمده‌ترین شیوه تزئین خوون‌چینی که در واقع شیوه سنتی تزئین نما با استفاده از آجر است؛ اما گاهی چینش‌های مختلف آجر نظیر خفته راسته و خشتی و آجرکاری به شیوه گره‌کاری با آجرتراش نظایر آن به‌عنوان تزئین در نما استفاده می‌شود و در موارد محدودتری کاشی‌کاری با نقوش اسلیمی و هندسی به چشم می‌خورد. تنوع آرایه‌بندی در نماهای سردر در بافت قدیم اهواز یکی از ویژگی‌هایی است که در بافت قاجاری اهواز نمود یافته است (مجتهدزاده و نام‌آور، ۱۳۹۴). واژه خوون که یک نام‌گذاری در هنر معماری ایرانی است، به نگاره‌های زینتی کاشی‌مانندی گفته می‌شود که بر پیشانی بنا می‌ساخته‌اند (نعیما، ۱۳۷۶). در این نوع آجرکاری از قطعات مختلف آجر و کنار هم قراردادن آن‌ها برای ایجاد انواع گره‌های تزئینی استفاده می‌شود. بعضی آجرها که زمینه را می‌سازند (گرسنه) عقب‌تر از دیگر آجرها که گره‌ها را می‌سازند (سیر) قرار می‌گیرند. اساس اجرای این نقش بر روی نگاره چلیپا و بر روی یک شبکه شطرنجی مدولار استوار است (زرگزاده دزفولی و همکاران، ۱۳۹۵). اگر آجر مربع‌شکل را نصف کنیم، آجر نیمه به‌دست می‌آید که خود پایه و اساس خردشدن را تشکیل می‌دهد و آن را اصطلاحاً چهار صاف می‌گویند و اگر نیمه را نصف کنیم، چاری یا دو صاف به‌وجود می‌آید (یک‌چهارم آجر کامل) و می‌توانیم چهار صاف نیمه را به کلوخ و سه صاف تبدیل کنیم. اگر چاری را دو قسمت کنیم دو کلوخ به‌دست می‌آید (نعیما، ۱۳۷۶).

جدول ۱. ساختار اجزای اجر. مأخذ: نگارندگان طراحی در نرم‌افزار اتوکد با اقتباس از (نعیما، ۱۳۷۶)







پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
مرکز ملی تحقیقات باستان‌شناسی

جداول ۲. تحلیل اجزا و نوع نقوش در سردرهای تزئینات ورودی بافت مرکزی اهواز. نگارندگان، ۱۴۰۱





| تصویر | الگوجزیی بر اساس یک مدل واحد بر روی شبکه مدولار | ترکیب الگو و عناصر تزئین | ترکیب تزئینات زمینه و گره و نام اجزای خرد شده |
|---|--|---|--|
|  |  (چهار بر مورب) |  |  اجزای خرد شده کلیج دو صافه سه صافه |
| نوع تزئین | مصلح | رنگ | نخودی |
| اجرکاری خون چینی | اجر | | |

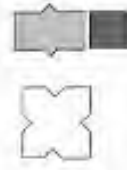
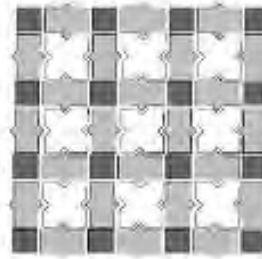


| تصویر | الگوجزیی بر اساس یک مدل واحد بر روی شبکه مدولار | ترکیب الگو و عناصر تزئین | ترکیب تزئینات زمینه و گره و نام اجزای خرد شده |
|---|---|---|---|
|  |  مربع چهار بر راسته و مربع چرخان |  |  اجزای خرد شده کلیج سه صافه دو صافه سه صافه |
| نوع تزئین | مصلح | رنگ | نخودی خاکی |
| اجرکاری خون چینی | اجر | | |


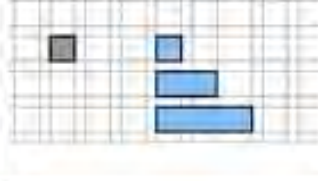
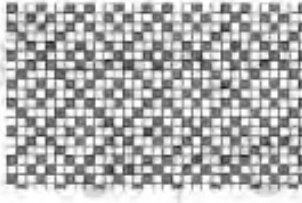


| تصویر | الگوژیی بر اساس یک مدل واحد بر روی شبکه مدولار | ترکیب الگو و عناصر تزئین | ترکیب تزئینات زمینه و گره و نام اجزای خرد شده |
|--|--|--|---|
|  <p>خانه خیابان سیروس</p> |  |  <p>چهار بر راسته و چلیپا</p> |  <p>اجزای خرد شده</p> <p>دو صافه سه صافه و یک دو صافه و یک سه صافه و یک دو صافه و یک دو صافه و یک دو صافه و یک دو صافه و یک دو صافه و یک دو صافه و یک دو صافه و یک</p> |
| | | | نوع تزئین |
| اجرکاری خوون چینی | آجر | تخودی-خاکی | |

| تصویر | الگوژیی بر اساس یک گل واحد بر روی شبکه مدولار | ترکیب الگو و عناصر تزئین | ترکیب تزئینات زمینه و گره و نام اجزای خرد شده |
|---|--|--|---|
|  <p>خانه خیابان شهید کیوان</p> |  |  <p>مربع چهار بر راسته بازو بند</p> |  <p>اجزای خرد شده</p> <p>دو صافه دو صافه و یک بند دو صافه و دو بند دو صافه و دو بند دو صافه و دو بند دو صافه و دو بند دو صافه و دو بند دو صافه و دو بند دو صافه و دو بند دو صافه و دو بند دو صافه و دو بند</p> |
| | | | نوع تزئین |
| اجرکاری خوون چینی | آجر | ابی | |

| تصویر | الگوجزیی بر اساس یک مدل واحد بر روی شبکه مدولار | ترکیب الگو و عناصر تزئین | ترکیب تزئینات زمینه و گره و نام اجزای خرد شده |
|--|--|--|---|
|  <p>خانه خیابان نادری</p> |  |  <p>ترکیب هشت و پیلی یا شمشه هشت پر و چلیپا</p> |  |
| نوع تزئین | مصالح | رنگ | |
| اجرکاری خوون چینی | آجر | نخودی-خاکی | |

| تصویر | الگوجزیی بر اساس یک مدل واحد بر روی شبکه مدولار | ترکیب الگو و عناصر تزئین | ترکیب تزئینات زمینه و گره و نام اجزای خرد شده |
|--|--|---|---|
|  <p>خانه قزلباش</p> |  |  <p>شش ضلعی کشیده یا شش بندی و چلیپا بر زمینه مربع</p> |  |
| نوع تزئین | مصالح | رنگ | |
| اجرکاری خوون چینی | آجر | نخودی-خاکی | |

| | | | |
|--|---|--|--|
| <p>ترکیب تزئینات زمینه و گره و نام اجزای خرد شده</p> | <p>ترکیب الگو و عناصر تزئین</p> | <p>الگوچیزی بر اساس یک گل واحد بر روی شبکه مدولار</p> | <p>تصویر</p> |
|  <p>مربع چهار بر راسته بازو بند</p> |  |  |  <p>خانه خیابان کتائباف</p> |
| <p>رنگ</p> | <p>مصالح</p> | <p>نوع تزئین</p> | |
| <p>نخودی و سفید</p> | <p>اجرکاری کاشی کاری</p> | <p>اجرکاری خوون چینی</p> | |

| | | | | | | | | | | | |
|--|---------------------------------|---|--------------|------|---------|--|---------|--|---|--|---|
| <p>ترکیب تزئینات زمینه و گره و نام اجزای خرد شده</p> | <p>ترکیب الگو و عناصر تزئین</p> | <p>الگوچیزی بر اساس یک گل واحد بر روی شبکه مدولار</p> | <p>تصویر</p> | | | | | | | | |
|  <table border="1" data-bbox="167 1456 486 1680"> <tr> <td>اجزای علت</td> <td>اجزای منفی</td> </tr> <tr> <td>کلوخ</td> <td>کلوخ</td> </tr> <tr> <td>شو صافه</td> <td></td> </tr> <tr> <td>نه صافه</td> <td></td> </tr> </table>  | اجزای علت | اجزای منفی | کلوخ | کلوخ | شو صافه | | نه صافه | |  |  |  <p>خیابان سیروس</p> |
| اجزای علت | اجزای منفی | | | | | | | | | | |
| کلوخ | کلوخ | | | | | | | | | | |
| شو صافه | | | | | | | | | | | |
| نه صافه | | | | | | | | | | | |
| <p>رنگ</p> | <p>مصالح</p> | <p>نوع تزئین</p> | | | | | | | | | |
| <p>نخودی خاکی</p> | <p>اجر</p> | <p>اجرکاری خوون چینی</p> | | | | | | | | | |

باتوجه به نمودار ذیل برای سؤال اول پژوهش این امر را اثبات می‌کند که استفاده از کاشی کاری در بناهای بافت سنتی معمول نبوده و باتوجه به اینکه آجر مورد استفاده بوده و علاوه بر بحث اقلیمی در مقاله دکتر تابان با عنوان تأثیر اقلیم بر شکل تزئینات معماری باتکیه بر تحلیل میزان سایه‌اندازی (تابان پور و همکاران، ۱۳۹۱). تزئینات باعث می‌شود که تا میان آجرها سایه ایجاد شود و بخشی از دیوار خنک بماند به کیفیت بصری محیط نیز افزوده و تعلق مکانی را افزایش می‌دهد آجر مورد استفاده در بناهای اهواز احتمالاً در محل تهیه می‌شده است، زیرا علاوه بر استعداد خاک برای پخت آجر و جو داشته است و براساس نگاهی گذرا درمیابیم در فعالیت‌های شهر اهواز در زمینه استفاده از مصالح بیش از گرایش‌های زیباشناسانه اولویت‌بندی عملکردگرایانه بوده است و استفاده از کاشی در مقیاس وسیع معمول نبوده است (مجتهدزاده و نام‌آور، ۱۳۹۴).

نمونه‌های کاشی کاری در بناهای مسکونی در خانه‌های بانک ملی و دانشکده سه‌گوش با تزئینات هندسی در بافت امانیه دیده می‌شود و بناهای تجاری هتل سنتی قو، گرمابه اسلامی با تزئینات حیوانی و گیاهی در خیابان نادری و بافت سنتی اهواز با نقوش گیاهی و جانوری شامل طاووس و گل‌ها شاه‌عباسی و... بر جداره‌های نما به‌ندرت دیده می‌شود. استفاده از آجر نوعی انتزاع فرمی و خلاصه‌گرایی نیز در بنا به‌وجود آورده است. استفاده از آجر البته به‌معنای افت کیفیت و... نیست بلکه در پاره‌های موارد به غنا و خلوصی منحصر به فرد در بنا انجامیده است. این تحلیل نشان می‌دهد تزئینات خوون‌چینی که در بافت مرکزی مورد توجه بوده است، چهار برراسته و چلیپا و چهارپر مورب و بازوبند به ترتیب در بین این ۸ خانه بیشترین شکل تزئین را به خود اختصاص داده است و از لحاظ رنگ خاکی و مصالح اجرایی بیشترین درصد را به خود اختصاص داده است. (نگارندگان، ۱۴۰۱)



نمودار ۱ تحلیل درصد نوع مصالح، رنگ و نوع تزئینات آجرکاری. مأخذ: نگارندگان، ۱۴۰۱



نمودار ۲. دوم درصد شکل تزئینات خوون چینی سردر ورودی بافت سنتی اهواز. مأخذ: نگارندگان، ۱۴۰۱

۵. رابطه تزئینات و حس تعلق مکان

هر فضا دارای معانی و محتوایی است که جنبه‌های متفاوتی را دربر می‌گیرد، معنا می‌تواند فرهنگ، مذهب و نماد و زیبایی یک ملت را به مخاطب بفهماند و باعث غنای حسی و خاطره‌انگیزی شود (نقی زاده، ۱۳۸۶). خانه ایرانی جایگاه نمایش هنر مردمی بوده است که زیباترین و پرمعناترین اشکال و طرح‌ها را در خود جای داده است و تأکید فرد در یک مکان با شناخت مکان به‌عنوان گسترش خویش و حس مالکیت مکان یا سرمایه‌گذاری در مکان به معنی بعد عملکردی ارتباط پیدا می‌کند (جوان فروزنده و مطلبی، ۱۳۹۰). هنر اسلامی شکل‌های طبیعی را به فرمول‌های انتزاعی مبدل کرده است و ویژگی رازگونه به آن‌ها بخشید نقوش همچون باغ بهشتی به روح آدمی نشاط می‌بخشد. (مهدی‌نژاد و گودرزی، ۱۳۹۳).

خانه ایرانی علاوه بر زیبایی ظاهری و ویژگی اقلیمی و.. تزئیناتش حس پیوستگی افراد و بنا را پرورش می‌دهد. انسان به‌وسیله نظام‌های ادراک حواس معانی را از محیط دریافت می‌کند از طریق پیش‌آموخته‌هایی که در عرف فرهنگی در جامعه وجود داشته است به‌وسیله دریافت معانی محیط و به شناخت محیط منجر می‌شود و این معنایی که از محیط دریافت می‌کند به آموخته‌های شخصی فرد و یا باورهای اجتماعی بستگی دارد فضاهایی که گرد تاریخی بر آن‌ها نشسته است و مکان شدند همانند بناهای سنتی به نظر حس مکان دارند؛ زیرا انسان به فانی بودن خودآگاه است و ماندگار در طول تاریخ جست‌وجو می‌کند آثار تاریخی به انسان نشان می‌دهد که انسان‌هایی با آن مکان پیوند داشته‌اند و قدمت بنا به‌عنوان نمادی از ارتباط انسان با آن مکان و خلق مکان‌بودگی و مکان‌شدگی است (شاه‌چراغی و بندرآبادی، ۱۳۹۹). یکی از مهم‌ترین عوامل هویتی دهنده محیط مبانی اعتقادی و جهان‌بینی جامعه است و با لحاظ نمودن ارزش‌های برخاسته از جهان‌بینی و فرهنگ جامعه در طراحی مکان در معماری سنتی هویت معنوی و اعتقادی خویش را به نمایش می‌گذاشت. این باعث می‌شود با مکان احساس بودن و تقدیر مشترک داشته باشد. اساساً حس

مکان ترکیبی از معانی و نماد و کیفیت‌هایی است که از فضا ادراک می‌کند و آن‌ها را رمزگشایی می‌کند و خود عوامل ایجاد حس مکان است و با تجارب گذشته انسان نقش پررنگی دارد. در این حالت نمادهای مکان محترم و آنچه برای مکان رخ می‌دهد برای فرد نیز مهم است که تعلق به مکان در فرد به وجود می‌آورد (نقره‌کار و علی‌الحسابی، ۱۳۹۶). از آنجاکه تزئینات ایرانی - اسلامی از روح اسلامی و آداب معنوی به صورت یکپارچه کلیتی خوانا را برای فضا به وجود می‌آورد با نظم و تعادل نه تنها آسفتگی به روح مخاطب القا نمی‌کند بلکه موجب آرامش روحی او می‌شود تعلق افراد در گذشته به معماری و ویژگی هنری و تزئینی بیشتر از زمان حاضر بوده است لذا هنر سنتی، به این جهت مایه جاودانگی است هم از صفات فعل خداوند است و هم در طبیعت مشاهده می‌شود و این صفات بیشتر جنبه عقلانی دارند تا بومی و سنتی لذا معماری ایرانی اسلامی مظهری از معماری جاودانه است. موضوع توأم و جاودانگی یک اثر که الکساندر در کتاب راز جاودانگی به آن اشاره می‌کند برای رسیدن به میراث هنری ماندگار و اصیل و مکان‌های زنده و جاودانه، شناخت زندگی شرط لازم است و معمار باید مکانی طراحی کند که به مطلوبیت نزدیک شود و ریشه در بستر فراتاریخی نامحدودی از عالم پیدایش تا قیامت داشته است (نقره‌کار و همکاران، ۱۳۸۸). در نتیجه داشتن چنین اعتقادی است که اثر هنرمند، ماندگار می‌شود؛ ماهیت فردی ندارد، قید زمان نمی‌پذیرد و با اتصال به زیبایی حقیقی هرگز کهنه نمی‌شود و گرد فراموشی بر آن نمی‌نشیند، زیرا اساساً به ذات باری تعالی می‌اندیشد.

مصالح به کار گرفته شده در معماری سنتی بنا بر ملاحظات بومی و اقتصادی و ... بر برپایی اثر متنوع شده‌اند هر یک از مصالح به کمک راهکارهای گزینش شده توسط معماران توسط نور با ایجاد سایه‌روشن‌ها صورت‌های شکلی متفاوت را ارائه می‌دهد و حس و ادراک مشترک از کنش ماده‌زدایی را و نشان نور و تاریکی را القا می‌کند باعث کیفیت مطلوب و احساس خوشایندی نسبت به مکان و حس زیبایی بصری و ادراک خاص فضا و ارزش‌بندی نسبت به مکان می‌شود (ماهوش، ۱۳۹۳). نقوش تزئینی آجرکاری به دلیل خلوص ذاتی‌اش در تمام سطوح بنا می‌تواند نقطه اوج یک طرح تلقی می‌شود از یک سو تمایل طراح را در انتخابش نشان می‌دهد و از طرف دیگر فضایی باوقار و ساکت و استوار می‌آفریند و روح زاهدانه‌ای بر آن حکم فرماست که آجر اعتبار می‌یابد از طرفی یک ماده تمامی سخن خود را به منصف ظهور می‌نشانند (نویسی و حاجی قاسمی، ۱۳۹۹). طبق کتاب محاط در محیط این باعث می‌شود یک فضا به مکان تبدیل شود؛ زیرا با مفاهیم عمیق پیوند خورده است. انسان با درک زیبایی محیط و دریافت معانی محیط که به تجربه مکان ختم می‌شود که به تجربه زیبایی از محیط و در حقیقت تحسین معنای آن است که ژرفا پیدا می‌کند. آرایه‌های معماری از سوئی ذهن بیننده را به زیبایی صوری و ظاهر نقش‌ها و نوع کاربردی فضاهای بنایی که نقش و نگارها بر دیوارهای آن نشست، فرامی‌خوانند و از سوی دیگر دیدگاه بیننده را به قلمرو و راز و رمزهای فرهنگی و دینی پوشیده در مفاهیم نقش‌ها می‌کشایند (بلبلیان و همکاران، ۱۳۹۰).

با دریافت مفاهیم نمادی نقش و نگاره‌ها در معماری تزئینی و ریشه‌یابی آن‌ها می‌توان به شناخت ذهن و اندیشه معماران و در نتیجه به فرهنگ مردم و جهان بینی و آرمان‌های آنان دست یافت ایجاد عمق از طریق آرایه‌های حجمی و برجسته و نیز برانگیختگی ناشی از سطوح سرشار از طرح‌های انتزاعی بیانگر این نکته است که نقش آرایه‌ها در معماری

قدیم ایران فراتر از تعریف تزئینات به‌عنوان لایه پوشاننده صرفاً زیبایی‌بخش است و نقش مؤثر آن به میزانی است که یکی از شناسه‌های این معماری در تعریف مکان به شمار می‌رود (ماهوش، ۱۳۹۳). این جهان‌بینی و فرهنگ از طریق معنای تزئینات یک نوع نماد تصویری تلقی می‌شوند که از نظر معنایی با ارزش‌ها و نظام‌های معنایی نمادین مردم مشترک و هماهنگ است و بنا را همچون مجموعه‌ای متحد مطابق با تفکر دینی جلوه‌گر می‌سازد؛ در این صورت مکان ریشه‌دار تجربه می‌شود و لایه‌های مختلف فرهنگی و اجتماعی با آمیخته‌شدن با مفاهیم و معانی و ارتباط عمیق فرد با محیط می‌شود و نوعی هم‌ذات‌پنداری بین خود و مکان احساس می‌کند و با حضور انسان در آن مکان سنتی و ادراک تمام محسوسات باعث افزایش تعلق خاطر می‌شود. فرهنگی بودن تعلق مکان به معنای این است که در اکثر افراد تجزیه و تحلیل فضا به صورت نماد مشترک فرهنگی قابل تجربه است در واقع افراد مکان‌ها را به خصوصیات فرهنگی ربط می‌دهند به گونه‌ای که یک فضا می‌تواند محرک تجربه انسان و یادآور مفاهیم و معانی فرهنگی باشد و این حس به موازات تزئینات که می‌تواند به‌عنوان یک نام در معرض دید ناظر بوده موجب تداعی خاطره از فرهنگ سنتی برای شهروندان تأثیر چشمگیری داشته باشد.



جدول ۳. واکاوی مؤلفه‌های حس تعلق مکانی در تزئینات خورون چینی از نقطه نظر مؤلفه ادراکی شناختی. مأخذ: نگارندگان، ۱۴۰۱

| واکاوی مؤلفه های حس تعلق مکانی در تزئینات خورون چینی | | تأثیر مؤلفه ها در ارتباط با تزئینات | معیار ارزیابی |
|---|--|--|---|
| تحلیل تزئینات خورون چینی یا توجه به مؤلفه ها | واکاوی مؤلفه حس تعلق در تحقق محیط و مکان و تزئینات | | |
| <p>تمونه اصل تمادگرایی و معناگرایی در تزئینات خورون چینی سیر از ظاهر به باطن (حس جهت یابی و حرکت) در فضای پر آرایه انسان در حال سکون نقطه دید متحرک این بدان معنی است که حرکت ظاهری کمتر و امکان حرکت عمقی و باطنی بیشتر فراهم می شود (اشاره به تماد های مشترک و معانی از بطن فرهنگ و جهات تبیینی) و تمونه دیگر این معنای عمیق در تزئینات که همان اصل سیر از ظاهر به باطن است خود آگاهی انسان در تزئینات خورون چینی در اصل سیر از ظاهر به باطن اصل خلوت گزینی نیز مطرح می شود هویت فردی و به موازات آن گسترش روابط یا دیگران تاثیر دارد</p> | <p>القای معنا و تماد مشترک فرهنگی در بین افراد و محرک تجربه انسان و یاد آور معانی فرهنگی که با تفکر دینی آمیخته شده است (الگوی مشترک در ذهن) براساس تجربه خود از نشانه و نقشی از مکان را در ذهن متصور می شود و مکان برای او معنادار می شود و افزایش تعلق و تجربه زیبایی می شود و همبستگی حواس و ادراک حاصل میشود و بر احساس رفتار افراد در محیط تاثیر می گذارند و در راستای حس مکان موثرند. شکل دادن به روایت با ارزش تمادین (خاطره و سنت نقش مهم در شکل گیری هویت مکانی) دارد تزئینات در هنر اسلامی یک اصل را دنبال می کنند هدف دار بودن تزئینات و اشاره به عالم باطن</p> | <p>تماد و نشانه</p>  | <p>مؤلفه ادراکی - شناختی بعد معنایی و اعتقادی</p> |
| <p>نقوش آجرکاری خورون چینی (تک رنگی ها) با حضور نور تقالیت ماده به لطافت ناشی از دربرگیرنده نور تبدیل می شود و نقش فعال در حضور بخشی نور را دارد و جان بخشی را تداعی می کند و با حرکت روی سطوح خورون چینی تجربه ای از ادراک (ماده از مکان تهی شده) و فضایی پویا سبک ایجاد می شود.</p> | <p>تابش نور یا ایجاد سایه روشن ها متغیر احساس خوشایندی را نسبت به مکان در زمان به وجود می آورد و باعث افزایش ادراک و سرزندگی می شود (تعبیر کیفیت نور)</p>   | <p>حضور نور</p> | |
| <p>الگوی رویداد شایدتوان در تزئینات سنتی همان تکرار یک هدف خاص که ریشه در فرهنگ و دارد که همان کمال و ساحت معنا باشد از طرفی تکرار الگوها در ساختار اجر و کنار هم قرار گرفتن الگوها تزئینات خورون چینی که کلیت واحد رسیده نیز مشهود است و توجه به مرکز و اصل و البته نقش ها که ریشه در طبیعت دارند.</p> | <p>تکرار مستمر الگو زنده هویتی جاودانه به گفته الکساندر ایجاد می شود</p> | <p>ماندگاری و جاودانی</p> | |

جدول ۴. واکاوی مؤلفه‌های حس تعلق مکانی در تزئینات خوون چینی از نقطه نظر مؤلفه ادراکی شناختی (بُعد اجتماعی) مأخذ: نگارندگان.

| واکاوی مؤلفه‌های حس تعلق مکانی در تزئینات خوون چینی | | معیار ارزبایی | معیار بعد اجتماعی و فرهنگی |
|---|--|--|--|
| تأثیرمؤلفه‌ها در ارتباط با تزئینات | واکاوی مؤلفه حس تعلق در تحقق محیط و مکان و تزئینات | | |
| معنادار بودن محیط برای انسان | معانی به باورهای اجتماعی و اموخته شخصی افراد بستگی دارد(معانی مشترک در هر فرهنگ) درک معانی و شناخت از محیط افزایش تعلق مکانی و حس مکانی را به وجود می آورد معنا باعث خاطره انگیزی و غنای حسی فضا می گردد و با افزایش حس تعلق ارتباط دارد | در این شکل خوون چینی با توجه به عنصر چلیپا که یکی از اشکال متداول ترین در بناهای اهواز را دارد این عنصر نمادین در ذهن بیننده به عنوان تکرار مستمر یک الگو می باشد و در باور و فرهنگ ما نهادینه شده و مظهر چهارجهت اصلی و جلوه از طبیعت و صفات خداوند است | شناختی - مولفه ادراکی - بعد اجتماعی و فرهنگی |
| هویت فردی و جمعی | تزئینات در جداره های شهری علاوه بر اینکه در طرح کلی متفاوت هستند و در بعضی موارد به ندرت در رنگ می توانند هویت فردی خود را کسب کنند ولی در کلیات با دیگر طرح ها تطابق داشته باشند و هویت جمعی می شوند هویت بومی گونه ای از هویت جمعی است و هویت به عنوان احساس تعلق و این همانی با محیط در نظر گرفته شده است | پدیده ها در عین داشتن هویتی مستقل به هم وابسته اند نه به معنی وابستگی علت و معلول بلکه برای دستیابی به یک هدف استقلال نقش ها از زمینه اما در کل مجموعه طبق تصویر معنای خود را از دست نمی دهد. | |

جدول ۵. واکاوی مؤلفه‌های حس تعلق مکانی در تزئینات خورون چینی از نقطه نظر مؤلفه کالبد (بعد شکلی و فرمی) مأخذ: نگارندگان، ۱۴۰۱

| تحلیل تزئینات خورون چینی با توجه به مؤلفه‌ها | واکاوی مؤلفه حس تعلق در تحقق محیط و مکان و تزئینات | تأثیرمؤلفه‌ها در ارتباط با تزئینات | معیار ارزیابی حس تعلق مکانی | مؤلفه کالبدی | | |
|--|--|--|--|------------------------------------|--|------------------------------------|
| <p>خرد شدن اجر به بندک، کلوخ، نیمه و .. وحدت در ابعاد و اندازه در تزئینات باعث (زیبایی شناسی بصری و نمادین می شود شکل تزئین خورون چینی براساس چلیپا و شش ضلعی کشیده زیبایی شناسی بصری و معنایی در بیننده به وجود می آورد.</p> | <p>اطلاعات زیباشناختی ذهن و روان ما را مخاطب قرار داده در ما احساس رضایتمندی و شادی به وجود می آورد تذکر این نکته حایز اهمیت است . علاوه بر زیبایی صوری تزئینات ایرانی برای بیان فضای قدسی است سوق دادن ماده به ساحت معنا هدف اصلی تزئینات در معماری ایرانی</p> | <p>تناسبات و مقیاس و شکل تزئین</p>  | <p>زیباشناسی بصری (تکرار تنوع و ریتم و تکرار تناسبات و ...</p> | <p>بعد شکلی و فرمی و زیباشناسی</p> | | |
| <p>ریتم و تکرار که به صورت هماهنگ صورت گرفته است و در اجزای بیانگر ذکر و سلوک است . (حس آرامش در مخاطب).</p> | <p>ارتباط روح و روان انسان در فضایی برگرفته از نظم طبیعی و تکرار الگو باعث می شود از اضطراب رها شده و به آرامش برسد و افزایش کیفیت مطلوب محیط و تعلق خاطر به آن و ضمن سبک کردن سطوح و منقش نمودن آن ایجاد فضایی لطیف به جداره‌ها هماهنگی و وحدت بخش نیز می باشد و باعث زیبایی بصری نیز می شود.</p> | <p>تکرار در اجزای خورون</p>  | | | <p>زیباشناسی بصری (تکرار تنوع و ریتم و تکرار تناسبات و ...</p> | <p>بعد شکلی و فرمی و زیباشناسی</p> |
| <p>در تزئینات خورون چینی وحدت در کل مجموعه به چشم میخورد برای رسیدن به یک هدف کمال. آجر مربع شکل را نصف کنیم ، اجر نیمه به دست می آید که خود پایه و اساس خرد شدن را تشکیل می دهد و تنوع خورد شدن آجر برای رسیدن به کل واحد</p> | <p>تجربه زیبایی در محیط و تزئینات تصویر با ایجاد تنوع در اجزا و تشکیل کلیت واحد و تقارن و .. حس آرامش و سرزندگی را ایجاد می کند</p> <p>الگوهای زنده به واسطه کثرت الگو کل منسجم می شود و زنده و شاداب تر است هر الگو خودبان و پایدار است.</p> | <p>تنوع در اجزای خورون چینی و تشکیل کل واحد</p>  | | | | |

جدول ۶. واکاوی مؤلفه‌های حس تعلق مکانی در تزئینات خورون چینی از نقطه نظر مؤلفه کالبد (خوانایی) مأخذ:
نگارندگان، ۱۴۰۱

| معیار ارزیابی حس تعلق مکانی | تأثیرمؤلفه‌ها در ارتباط با تزئینات | واکاوی مؤلفه حس تعلق در تحقق محیط و مکان و تزئینات | تحلیل تزئینات خورون چینی با توجه به مؤلفه‌ها |
|--------------------------------|------------------------------------|---|--|
| مؤلفه کالبدی | خوانایی و تشخیص | ارتباط صحیح شهروندان از طریق عناصر نمادی کالبدی به تشخیص هویت مکان کمک کرده به عنوان نشانه به علت ارتباط صحیح و عمیق و برجسته کردن ورودی و ایجاد تمایز بصری با مخاطب به دلیل تشخیص از واحد های همجوار و ایجاد تمایز محیطی و ارتباط درون و برون به ایجاد حس تعلق می پردازد و به عنوان واسطه بصری در ایجاد ارتباط ذهنی بین استفاده کنندگان. | تزئینات خورون در بافت سنتی به عنوان نشانه و نماد خاص فرهنگ بومی خوزستان است که به وضوح قابل تشخیص است و نحوی از زندگی را تعریف می کنند |
| بعد شکلی و فرمی و زیباشناسی | تشخیص در بافت | ارزش بصری و خوانش یکسان و مستقل از هر جهت در اجزای تزئینات خورون هم جواری شکلی همچون چرخش شکل الگو در همه جهات یک معنی و شکل را ارائه می دهد . | ارزش بصری و خوانش یکسان و مستقل از هر جهت در اجزای تزئینات خورون هم جواری شکلی همچون چرخش شکل الگو در همه جهات یک معنی و شکل را ارائه می دهد . |

نتیجه گیری

تعلق به مکان چیزی بیش از تجربه عاطفی و شناختی بوده و عقاید فرهنگی مرتبط کننده افراد به مکان است. فرهنگی بودن تعلق مکان به معنای این است که در اکثر افراد تجزیه و تحلیل فضا به صورت نماد مشترک فرهنگی قابل تجربه است. آنچه یک فضا را به یک مکان ارتقا می دهد آمیخته شدن آن با مفاهیم عمیق و حاصل معانی است که در طول زمان گسترش و ژرفا پیدا می کند و مکان در این صورت ریشه دار تجربه می شود و لایه های اجتماعی و فرهنگی را در برمی گیرد. معمار سنتی باید بنایی می ساخت که پیام فرهنگی داشته باشد، چراکه هدف ایجاد محیطی برای تکامل انسان بوده است بتواند به سوی کمال صعود کند این پیام را در محیط و خانه خود با زبانی ماندگار و مشترک که قادر به دیدن آن هستند. بخشی از این مفاهیم را با تزئینات بیان می کند. در تزئینات خورون چینی بافت سنتی اهواز با توجه به جداول ارائه شده در قسمت تطبیق مؤلفه های تزئینات با حس تعلق مکانی هماهنگی قابل توجه وجود دارد معانی برگرفته از هنر بومی و فرهنگ منطقه بوده که از تصویر ذهنی و گونه شناسی که به واسطه ریشه دار بودن احیای انسان، ایجاد آسایش، حس صمیمیت، راحتی در مکان در گذشته و حال به وجود آمده است، زیرا با تمام وجود این تفکر را درک کرده آن را در قالب هنر خود نمایش داده و براساس حضور، معانی و حس مکان شخص را به گونه ای با محیط

پیوند می‌دهد که فهم و احساس انسان با زمینه معنایی محیط به یکپارچگی می‌رسد تزئینات خوون‌چینی اهواز نقش اساسی در وحدت جداره‌های شهری بازی می‌کردند و به بهترین نحو می‌توانند بیانگر روح عمیق فرهنگ ایرانی - اسلامی بوده و پیام هویت‌بخش آن را به بناها و جداره‌های شهری منتقل کنند. تزئینات جداره‌ها بر زیبایی گذر نیز می‌افزود و با ایجاد سایه‌روشن‌هایی در بر روی دیوار کاربرد اقلیمی نیز داشته است، زیرا اساساً هویت به‌واسطه ایجاد تداعی خاطره عمومی در شهروندان تعلق خاطر و وابستگی را نزد آن‌ها فراهم کرده است. معماری سنتی - بومی اهواز طبیعت و مؤلفه فرهنگ را در حالت کلی به خود جای‌داده و در نفس معماری بومی دو پیوند اساسی را محترم می‌شمارد. باتوجه‌به جداول تطبیقی ارائه‌شده در این راستا پیوند با مؤلفه اجتماعی (ادراکی - شناختی) که با سلسله ارزش‌های و رفتار فرهنگی و بُعد معنایی و اعتقادی پیوند دارد. همچنین از نقطه‌نظر کالبدی و زیباشناسی تزئینات خوون‌چینی تطبیق داده شده است. این داده‌ها هم ابزار کاربردی هستند و هم معنایی و فکری. مصالح آجر در شهر اهواز در بخش سنتی بیشترین کاربرد را به خود اختصاص داده است در این زمینه می‌توان گفت معجزه مرموز تزئینات آجر که از خاک درست و پخته‌شده احساس ما را برمی‌انگیزد، زیرا به گفته الکساندر در کتاب راز جاودانه بین طبیعت و ذهن انسان رابطه عمیقی وجود دارد از خصلت طبیعت برآمده است و الگوی رویداد در هر فرهنگ باتوجه‌به عناصر کالبدی که در آن مکان و باتوجه‌به فرهنگ آن منطقه اتخاذ می‌شده است. خصلت آجر همانند این اصل است سازگار بودن با خود، همانند انسانی که با خودسازگار است لذا اصیل است. بحث هندسه تزئینات خوون‌چینی نیز که به فضای قدسی دلالت دارد که از حکمت نشئت‌گرفته نیز از این اصل پیروی می‌کند و مسیر رشد و تکامل معنوی را سیر می‌کند و از عالم طبیعت تجلی می‌یابد که هندسه طبیعت بهترین سرچشمه فیاض و الهام‌بخش است درواقع انسان را از درون خود بیرون کرده و به تماشای خود وامی‌دارند. تزئینات خوون‌چینی معنای ذهنی و بُعد فرهنگی دارند و در قاب‌بندی جداره‌ها از یک‌طرف ارائه تصویر زیبا برای رهگذران از بُعد دیگر به‌صورت نمادین در ذهن انسان تداعی‌گر نام خداوند است و برخی از نقوش دلالت بر مفاهیم خاص دارد. درواقع شکل ظاهری به‌واسطه الگوی ذهنی در مورد ویژگی‌های فضای قدسی و به‌عنوان نشانه و نماد فرهنگی معانی از محیط دریافت می‌شود از طریق پیش‌آموخته‌هایی که در عرف و تفکر دینی جامعه وجود داشته است، به شناخت محیط منجر می‌شود و از آنجا که گرد تاریخ (زمان) بر آن‌ها نشسته به نظر حس تعلق مکان‌دارند.

منابع و مآخذ:

کتاب‌ها

- ادوارد، رلف. (۱۳۹۰). مکان و حس لامکان. تهران: مترجم.
- براند رابرت، هیلن. (۱۳۸۶). معماری اسلامی. مترجم: ایرج اعتصام. تهران: شرکت پردازش و برنامه‌ریزی شهری.
- بهزادپور، محمد. (۱۳۹۹). مکان و لامکان. تهران: طحان گستر.
- پاکباز، رویین. (۱۳۸۳). دایره‌المعارف هنر. تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- پاکدامن، آرزو. (۱۳۹۲). آموزه‌های معماری ایرانی. تهران: سیمای دانش.
- پاکزاد، جهان‌شاه. (۱۳۸۵). راهنمای طراحی فضاهای شهری در ایران. تهران: وزارت مسکن و شهرسازی، معاونت شهرسازی و معماری.
- پاکزاد، جهان‌شاه. (۱۳۹۳). الفبای روان‌شناسی محیط برای طراحان. تهران: آرمان شهر.
- تریلینگ، جیمز. (۱۳۹۴). زبان تزئین. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- دادور، ابوالقاسم؛ دالایی، زاده. (۱۳۹۵). مبانی نظری هنرهای سنتی. تهران: مرکب سپید.
- رلف، ادوارد. (۱۳۹۷). مکان و بی‌مکان. مترجم: نقصان محمدی، محمدرضا، ماندگاری، کاظم، زهیرمتکی، تهران: انتشارات آرمان شهر.
- رلف، ادوارد. (۱۳۹۹). مکان و لامکان. مترجم: محمد بهزادپور، فریده حسن‌پور، تهران: انتشارات طحان.
- شاه‌چراغی، آزاده؛ بندرآبادی، علیرضا. (۱۳۹۹). محاط در محیط کاربرد روان‌شناسی محیطی در معماری و شهرسازی. تهران: انتشارات سازمان جهاد دانشگاهی.
- طباطبایی، ملک. (۱۳۹۰). جداره‌های شهری و نقش آن‌ها در کیفیت محیط. تهران: آرمان شهر.
- عبدالحمید، نقره. (۱۳۹۴). برداشتی از حکمت اسلامی در هنر و معماری. تهران: کتاب فکر نو.
- علوی، مهدی. (۱۳۹۰). کاشی. تهران: جهاد دانشگاهی واحد اصفهان.
- فرهنگ فارسی معین. (۱۳۸۶). تهران: پارس نوین.
- گودرزی، مرتضی. (۱۳۸۲). معماری مدرن از ۱۹۰۰. تهران: انتشارات سمت.
- ماهرالنقش، محمود. (۱۳۸۱). میراث آجرکاری ایران. تهران: سروش.
- ماهوش، مریم. (۱۳۹۳). نور در معماری قدیم ایران. تهران: دفتر پژوهش‌های فرهنگی.

- مجتهدزاده، روح‌الله؛ نام‌آور، زهرا. (۱۳۹۴). در جست‌وجوی هویت شهر اهواز. تهران: انتشاران راه و مسکن و شهرسازی.
- معین، محمد. (۱۳۸۶). فرهنگ فارسی معین. تهران: پارس نوین.
- مکی‌نژاد، مهدی. (۱۳۸۷). تاریخ هنر ایران در دوره اسلامی (تزیینات معماری). تهران: سازمان سمت.
- نصر، سید حسین. (۱۳۹۴). هنر و معنویت اسلامی. تهران: حکمت.
- نعیما، غلامرضا. (۱۳۷۶). دزفول شهر آجر. تهران: سازمان میراث‌فرهنگی کشور.
- نقره‌کار، عبدالحمید؛ علی‌الحسابی، مهران. (۱۳۹۶). تحقق‌پذیری هویت در معماری و شهرسازی. تهران: فکر نو.
- نقی‌زاده، محمد. (۱۳۸۶). ادراک زیبایی و هویت شهر (در پرتو تفکر اسلامی). اصفهان: سازمان فرهنگی تفریحی شهرداری اصفهان.
- نوایی، کامبیز؛ حاج‌قاسمی، کامبیز. (۱۳۹۹). خشت و خیال شرح معماری اسلامی ایران. تهران: انتشارات سروش.
- هالیس، ادوارد. (۱۴۰۰). چگونه جایی را خانه خود کنیم؟ تهران: نشر هنوز.

مقالات

- آبادی، جمشید؛ حبیبی، داوود؛ رحمانی، ابوالفضل؛ کسالایی، افسانه و افتخاری، یوسف. (۱۳۹۷). «کنکاشی پیرامون مؤلفه اثرگذار در ایجاد حس تعلق مکان در فضاهای شهری با تأکید بر مؤلفه‌های کالبدی». پژوهش‌های مکانی - فضایی ۶۸-۸۰.
- امجد، مرجان؛ مظفر، فرهنگ؛ طغیانی، شیرین و قاسمی، وحید. (۱۴۰۱). «نقش مادی‌ها در شکل‌گیری حس تعلق به مکان ساکنان هم‌جوار آن». فصلنامه علمی و مرمت معماری ایران، ۱۲، ۱۳۶-۱۱۹.
- انصاری، مجتبی. (۱۳۸۱). «تزیین در معماری و هنر ایران با تأکید بر مساجد دوره اسلامی با تأکید بر مساجد». مدرس هنر، دوره اول، ۷۳-۵۹.
- بلیلیان، یدا؛ ستارزاده، داریوش؛ خورشیدیان، ساناز و نوری، مریم. (۱۳۹۰). «بررسی ویژگی‌های هندسی گره‌ها در تزیین‌های اسلامی از دیدگاه فراکتال». فصلنامه علمی-پژوهشی شهر ایرانی-اسلامی، ۸۵.
- تابان، محسن؛ پورجعفر، بمانیان، محمدرضا و حیدری، شاهین. (۱۳۹۰). «تأثیر اقلیم بر شکل تزیینات معماری باتکیه بر تحلیل میزان سایه‌اندازی نقش جهان». مطالعات نظری و فناوری‌های نوین معماری و شهرسازی، دوره ۲، شماره ۲، ۹۰-۷۹.
- جوادی، شهره. (۱۳۸۴). «تزیین عنصر اصلی در زیباشناسی هنر ایرانی». باغ نظر، ۵۳، ۱.

- جوان فروزنده، علی؛ مطلبی، قاسم. (۱۳۹۰). «مفهوم حس تعلق به مکان و عوامل شکل‌دهنده آن». هویت شهر، ۱، ۲۷-۳۷.
- حبیبیان، بهار؛ حانمی‌نژاد، حسین. (۱۳۹۹). «تبیین اثرپذیری سرزندگی محله‌های شهری از ابعاد دل‌بستگی مکانی نمونه مورد مطالعه: شهر اهواز». برنامه‌ریزی و آمایش فضا، ۳، ۱۷۹-۱۵۲.
- حق‌پرست، فرزین؛ آصفی، مازیار و ابی‌زاده، الناز. (۱۳۹۸). «تأثیر مؤلفه‌های هویت مکان بر حس تعلق به مکان، مطالعه بازار تاریخی تبریز». فصل‌نامه تحقیقات جغرافیا، ۳، ۳۱۲-۳۰۳.
- حیدری، علی‌اکبر؛ مطلبی، قاسم و نگین تاجی، فروغ. (۱۳۹۳). «تعلق به مکان در خانه‌های سنتی و مجتمع‌های مسکونی امروزی». نشریه هنرهای زیبا نشریه هنرهای زیبا، ۴، ۸۶-۷۵.
- رضالو، رضا؛ آیرملو، یحیی و آقاجانی، اسدالله. (۱۳۹۲). «مطالعه سیر تحول نقوش چلیپایی در تزئینات معماری دوره اسلامی ایران و زیباشناسی و نمادشناسی آن». هنرهای زیبا، هنرهای تجسمی، ۴، ۲۴-۵.
- زرگزاده دزفولی، مجتبی؛ لاری بقال، کیانوش؛ سالاری، نجمه و بابایی مراد، مهناز. (۱۳۹۵). «خوون چینی، تکامل و تناسب ابعاد آجر در نماسازی‌های آثار معماری دزفول». مطالعات معماری ایرانی، ۹، ۶۵-۴۸.
- سرگزی، محمدعلی. (۱۳۹۲). «نشانه‌شناسی نقوش و تزئینات معماری اسلامی ایران». نقش‌مایه، دوره ۵، ۱۶، ۴۵-۴۲.
- صحافی اصل، پریسا؛ آیت‌اللهی، حبیب‌الله. (۱۳۹۰). «بررسی تداوم عناصر تزئینی معماری ایران باستان در معماری دوران اسلامی ایران تا پایان دوره صفوی». فصل‌نامه نگره، (۱۹)، ۶۳-۷۹.
- صفرنژاد، مهسا؛ کریمی آذری، امیررضا و غلامعلی‌زاده، حمزه. (۱۳۹۵). «شناسایی مؤلفه‌های مؤثر بر ارتقای هویت شهر و افزایش حس تعلق شهروندان در طراحی بناهای اداری فرهنگی (مطالعه موردی: شهر رشت)». فصل‌نامه تحقیقات فرهنگی ایران، دوره ۹، شماره ۴، ۳۲-۱.
- طلایی، مریم؛ انصاری، مجتبی و درج‌ور، فاطمه. (۱۳۹۸). «نقش تزئینات در بازیابی هویت ایرانی-اسلامی در جداره‌های شهری، مورد مطالعاتی: راسته تاریخی بالا و پایین خیابان شهر مشهد آرمان‌شهر». فصل‌نامه آرمانشهر، دوره ۱۲، شماره ۲۹، ۱۱۲-۹۹.
- عباسی، زهرا. (۱۳۹۶). «معیارهای زیباشناسانه نما و بدنه مطلوب شهری با تأکید بر هویت بومی (نمونه موردی حدفاصل میدان مطهری تا تقاطع خیابان حجت شهر قم)». مدیریت شهری، ۱۶، ۴۷، ۲۷۶-۲۵۶.
- علوی‌نژاد، محسن؛ نادعلیان، احمد؛ کفشچیان، اصغر و شیرازی، علی‌اصغر. (۱۳۸۹). «مطالعه تطبیقی در کاربرد دو اصطلاح تزئینات معماری و دیوارنگاری در منابع اسلامی». فصل‌نامه علمی-پژوهشی نگره، ۱۵، ۵-۱۷.

- عنانهاد، محمود؛ غلامعلی زاده، حمزه و اسدی ملک جهان، فرزانه. (۱۳۹۸). «سنجش حس تعلق به مکان و حفظ هویت واحدهای مسکونی در محله شهری». پژوهش‌های بوم‌شناسی شهری، دوره ۱۹، شماره ۱۹، ۷۳-۸۸.
- فلاح، محمدصادق. (۱۳۸۵). «مفهوم حس مکان و عوامل شکل‌دهنده آن». نشریه هنرهای زیبا، ۲۶، ۶۶-۵۷.
- کیانی، مصطفی. (۱۳۹۲). «جایگاه هنر آجرکاری تزئینی در معماری دوره پهلوی اول». نشریه هنرهای زیبا، ۱۸، ۱، ۱۵-۲۸.
- محرابی موقر، مهتاب. (۱۳۹۹). «نقش تزیینات در معماری سنتی در جهت ارتقا حس تعلق». پژوهش‌های مرمت و معماری اسلامی، ۴، ۴۲-۳۲.
- مطلبی، قاسم؛ فروزنده، علی جوان. (۱۳۸۸). «مفهوم حس تعلق به مکان و عوامل تشکیل‌دهنده آن». هویت شهر، ۵، ۲۷-۳۷.
- ممانی، حمید؛ یاری، فهیمه و حقیر، سعید. (۱۳۹۷). «مؤلفه‌های معماری ایرانی - اسلامی و نقش هویت‌بخش تزیینات». فصلنامه هنر و تمدن شرق، ۶، ۲۱، ۳۷-۴۴.
- مهدی‌نژاد مقدم، لاله؛ گودرزی، مصطفی. (۱۳۹۳). «محراب و نقوش به‌کاررفته در آن (دوره سلجوقی و ایلخانی)». نقش‌مایه، ۸، ۱۹، ۷-۱۸.
- نقره‌کار، عبدالحمید؛ حمزه‌نژاد، مهدی و فروزنده، آيسان. (۱۳۸۸). «راز جاودانگی آثار معماری تحلیلی بر نگرش‌های نوگرا و فرانگرا و رویکردهای فراگیرتر». باغ نظر، ۶، ۱۲، ۴۴-۳۱.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی